

# بررسی سیاست‌های زیست‌محیطی در کشورهای OECD و اثر آن بر تقاضای نفت خام این کشورها

(بخش اول)

جعفر دامن پاک‌یزدی

صورت بود که: در جهانی که با محدودیت روبه‌رو هستیم «آزادی در یک موضوع مشترک برای همه ویرانی به بار می‌آورد». مسایل مشترک زیست‌محیطی که امروزه به عنوان خطری برای محیط‌زیست جهانی تلقی می‌شوند، عبارتند از:

## ۱- گرم شدن محیط زیست

به تغییرات در آب و هوای جهانی اشاره دارد که علت تراکم گاز دی‌اکسیدکربن (CO<sub>2</sub>) و سایر گازهای گلخانه‌ای نظیر NO<sub>2</sub>, CF<sub>3</sub>, CH<sub>4</sub> است. تراکم این گازها باعث می‌شود از متصاعد شدن حرارت زمین جلوگیری به عمل آید و این مسأله باعث گرم شدن کره زمین می‌شود. در دو قرن گذشته تراکم گازهای گلخانه‌ای ۲۵ درصد افزایش یافته است. چنانچه اقدامات اساسی صورت نگیرد و روال گذشته همچنان تداوم یابد، تأثیر منفی گرم شدن کره زمین شامل کاهش محصولات کشاورزی و منابع جنگلی و بالا آمدن سطح آب دریاها و سیل خواهد بود.

## ۲- نازک شدن لایه ازن

استراتوسفر یکی از لایه‌های زمین است که شامل یک لایه ازن بوده و زمین را در مقابل تابش اشعه‌های مضر خورشید محافظت می‌کند. گازهایی مانند CFC و نیز گازهای گلخانه‌ای متصاعد از فعالیت‌های صنعتی، موجب نازک شدن لایه ازن می‌شوند.

## ۳- باران‌های اسیدی

باران‌های اسیدی فرآیندی است که طی آن گازهای سولفور و هیدروژن، که از طریق سوزاندن سوخت‌های فسیلی وارد جو می‌شوند، به اسید تبدیل می‌شوند که می‌تواند توسط باران یا برف به زمین نزول کند تأثیر منفی باران‌های اسیدی در اواسط دهه ۱۹۶۰ توسط ماهیگیران سوئدی، نروژی، کانادایی و امریکایی (با مشاهده ماهی‌های مرده) کشف شد.

عوامل مؤثر در پدید آمدن این مشکلات را می‌توان افزایش زیاد جمعیت، افزایش سرانه مصرف منابع طبیعی، افزایش خسارات زیست‌محیطی و نیز تکنولوژی شمرده اثر سه عامل اول تقریباً روشن است؛ اما تکنولوژی اثر دو گانه‌ای می‌تواند داشته باشد از یک طرف در طی دو قرن گذشته تکنولوژی باعث شد که

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه که در سال ۱۹۶۰ در پاریس تشکیل شد یک سازمان مهم بین‌المللی است. کشورهای عضو این سازمان حدود ۲/۳ از کالا و خدمات جهانی را تولید می‌کنند، به جز معدودی از کشورهای عضو (مثل استرالیا) اکثر کشورهای عضو واردکننده خالص انرژی هستند OECD در سال ۱۹۹۹ حدود ۵۹ درصد مصرف انرژی‌های اولیه دنیا را در اختیار داشته است.

در زمینه نفت خام، این کشورها ذخایر چندانی ندارند (حدود ۸ درصد ذخایر جهان در سال ۱۹۹۹) تولید نفت خام این کشورها وضعیت بهتری نسبت به ذخایر دارد (۲۹ درصد تولید جهان در سال ۱۹۹۹)، اما اهمیت اصلی این کشورها در زمینه مصرف نفت است که حدود ۶۳ درصد مصرف نفت خام جهان را در سال ۱۹۹۹ در اختیار داشته‌اند.

در زمینه گاز طبیعی نیز تقریباً همین الگو مشاهده می‌شود به طوری که این کشورها ۹ درصد ذخایر، ۴۵ درصد تولید و ۵۵ درصد مصرف جهانی گاز را در سال ۱۹۹۹ در اختیار داشته‌اند. در مورد زغال‌سنگ وضعیت متفاوت است. این کشورها ۴۵ درصد ذخایر، ۴۸ درصد تولید و ۵۱ درصد مصرف جهانی زغال‌سنگ در سال ۱۹۹۹ را در اختیار داشته‌اند. همچنین ۸۲ درصد مصرف انرژی اتمی و ۵۱ درصد مصرف هیدروالکتریسته جهان در سال ۱۹۹۹ در اختیار این کشور بوده است.

ترکیب سبد مصرف انرژی اولیه این کشورها نیز به این صورت است که ۴۳ درصد سهم نفت، ۲۲ درصد سهم گاز طبیعی، ۲۲ درصد سهم زغال‌سنگ، ۱۱ درصد سهم انرژی اتمی و ۲ درصد سهم هیدروالکتریسته در سال ۱۹۹۹ بوده است که در سال‌های آتی سهم انرژی اتمی و هیدروالکتریسته به نفع سهم گاز کاهش می‌یابد.

## مالیات‌های زیست‌محیطی

قبل از پرداختن به موضوع مالیات‌های زیست‌محیطی ابتدا تاریخچه‌ای از ماهیت مسائل زیست‌محیطی را بیان می‌کنیم و سپس به مبحث مالیات‌های زیست‌محیطی (مالیات بر آلودگی) خواهیم پرداخت.

برای اولین بار در سال ۱۹۸۶ مسأله تراژدی و تخریب منابع مشترک در مقاله‌ای توسط هاردین مطرح شد. نتیجه‌ای که وی در این مقاله گرفت به این

طبیعت تا میزان مشخصی آلودگی دارد و مکانیزم‌های حذف آلودگی نیز در داخل طبیعت وجود دارد.

در زمینه تعیین سطح بهینه آلودگی تئوری‌های مختلفی از جمله تئوری «که آس» مالیات پیگو و مجوزهای آلودگی قابل فروش وجود دارند. مالیات‌های زیست‌محیطی به عنوان بخشی از سیاست پایدار انرژی در این کشورهاست.

به طور کلی عناصر اساسی سیاست انرژی از لحاظ زیست محیطی عبارتند از:

#### الف - افزایش کارایی انرژی

ب - جایگزینی منابع انرژی تجدیدناپذیر با تجدیدپذیر  
از لحاظ اقتصادی این دو عنصر می‌تواند به عنوان راه‌های عملی برای محدود ساختن اثرات برون منفی زیست‌محیطی به شمار آیند. تلاش برای محدود کردن اثرات بیرونی منفی می‌تواند از طریق ایجاد محرک‌های اقتصادی برای افزایش کارایی انرژی و استفاده از منابع تجدیدپذیر انرژی مؤثر واقع شود. بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که بهترین راه برای محدود کردن اثرات بیرونی منفی، استفاده از مالیات پیگویی برآلوده‌کننده یا سوبسید پیگویی بر آسیب‌پذیر بر مبنای زیان برآورد شده است. اما مالیات پیگویی به دلایل زیر نمی‌تواند به صورت گسترده مورد استفاده قرار گیرد.

۱- مقاومت در برابر مالیات‌های جدید از طرف فعالان اقتصادی

۲- فقدان آگاهی در مورد میزان پولی زیان‌های وارد شده

۳- تأثیرات منفی مالیات پیگویی (مثل مشکلات در کارایی و رقابت)

دلایل فوق باعث شده که سیاست‌گذاران در انتخاب این‌گونه مالیات احتیاط بیشتری از خود نشان دهند. با این حال در سال‌های اخیر، ترتیبات مختلف بین‌المللی در مورد موضوعات مختلف زیست‌محیطی بررسی شده است که توافقی بر سر استفاده از سیاست‌ها و ابزارهای مختلف برای رسیدن به اهداف زیست‌محیطی در آینده نزدیک امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسد.

از طرف دیگر بسیاری از کشورها سیاست‌های هماهنگ و بین‌المللی را به عنوان یک پیش نیاز برای مالیات‌گیری زیست‌محیطی مطرح می‌کنند. اما به طور کلی مالیات‌هایی که در حال حاضر به عنوان مالیات بر انرژی مطرح و وضع شده‌اند عبارتند از:

مالیات بر انرژی بر مبنای میزان انرژی منبع (مثلا بر مبنای ارزش حرارتی یا BTU

۱- مالیات بر مبنای میزان اکسیدهای نیتروژن (NOX) منتشر شده در فرآیند سوختن منبع انرژی

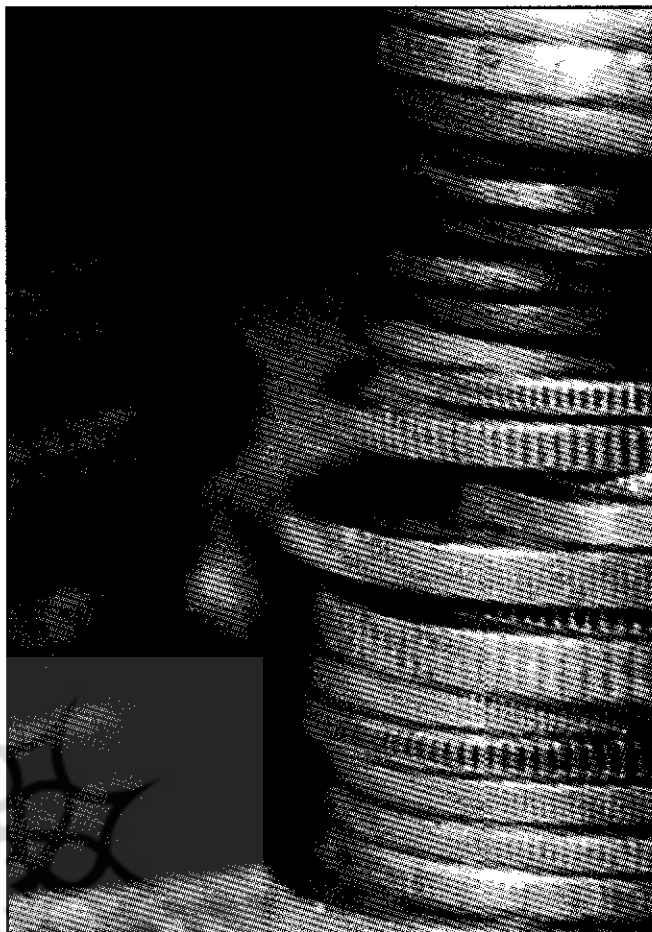
۲- مالیات بر مبنای میزان کربن یا دی‌اکسیدکربن (CO2) منتشر شده در فرآیند سوختن منبع انرژی (مالیات بر کربن)

۳- مالیات بر مبنای سولفور سوخت یا اکسید سولفور منتشر شده در فرآیند سوختن منبع انرژی

۴- مالیات بر سوخت‌های موتور (مثل بنزین و گازوئیل)  
از میان موارد بالا به دو نوع مالیات آخر خواهیم پرداخت چرا که این دو نوع از نظر میزان استفاده نسبت به انواع دیگر اهمیت بیشتری دارند.

#### مالیات بر کربن

در این بخش ابتدا به بررسی میزان کربن CO2 منتشره از انواع سوخت‌های



سوخت‌های فسیلی و نیز سایر منابع طبیعی به طور قابل ملاحظه‌ای مورد مصرف قرار گیرد و موجب ایجاد آلودگی شود، از طرف دیگر پیشرفت تکنولوژی می‌تواند به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و یا ساختن کالاها با انرژی کمتر کمک کند.

#### تعیین سطح بهینه آلودگی

قبل از پرداختن به مسأله بهینه آلودگی ابتدا به تعریف آلودگی از لحاظ اقتصاد توجه می‌کنیم.

تعریف آلودگی - آلودگی از نظر اقتصادی به عنوان یک اثر بیرونی شناخته می‌شود. تعریف اقتصادی آلودگی شامل دو جنبه است:

الف - تأثیر فیزیکی مواد آلوده‌کننده محیط‌زیست که شامل تأثیر بیولوژیکی (مثلا بیماری یا تغییر گونه‌ها)، تأثیر شیمیایی (مثل اثر باران‌های اسیدی) و آلودگی صوتی است.

ب: عکس‌العمل انسان - یعنی آلودگی‌های فیزیکی به حالات مختلف روی انسان اثر گذاشته باعث کاهش مطلوبیت و نهایتاً رفاه وی می‌شود.

پس از نظر اقتصادی آلودگی زمانی وجود دارد که علاوه بر تأثیر فیزیکی نیز به عنوان مدعی (با خسارت دیدگان) وجود داشته باشند. از نظر اقتصاد طبیعتاً به یک میزان معین آلودگی وجود دارد و اقتصاد در راستای از بین بردن کامل آلودگی حرکت نمی‌کند چون از نظر اقتصاد حذف کامل آلودگی یعنی حذف فعالیت که این مسأله از لحاظ اقتصادی نمی‌تواند قابل قبول باشد؛ زیرا خود

جدول ۱- میزان کربن و دی‌اکسید کربن ناشی از سوختن سوخت‌های فسیلی		
CO2	کربن	Ton
۲/۷۸۸	۰/۸۲	نفت خام
۲/۱۴۲	۰/۶۳	گاز طبیعی
۲/۵۷	۱/۰۵	زغال سنگ

منبع: DRAW Energy Back Tax

جدول ۲- انتشار کربن در کشورهای عضو سازمان (ارقام به میلیون تن متریک)						
نام کشور	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۱۹۹۹	
آمریکا	۱۲۹۰/۸	۱۲۴۷/۳۶	۱۲۵۱/۴۴	۱۴۲۰/۹	۱۵۱۹/۸۹	
بریتانیا	۱۶۷/۷۳	۱۶۰/۷۹	۱۶۲/۶۲	۱۵۲/۰۳	۱۵۲/۳۹	
ژاپن	۲۶۰/۴۱	۲۴۴/۸۴	۲۶۵/۷۵	۲۹۲/۵	۳۰۶/۶۵	
آلمان	۲۹۰/۳۱	۲۷۹/۴۲	۲۶۹/۳۶	۲۳۲/۱۵	۲۲۹/۹۳	
کانادا	۱۲۵/۱۶	۱۱۸/۷۲	۱۲۹/۰۱	۱۳۴/۳۹	۱۵۰/۹	
فرانسه	۱۳۵/۴۳	۱۰۷/۹	۱۰۰/۵۳	۹۷/۴۲	۱۰۸/۵۹	
سایر OECD	۷۰۰/۵۷	۷۱۲/۳۹	۷۶۹/۷۶	۸۹۱/۶۴	۹۳۹/۱۸	
مجموع OECD	۲۹۷۰/۴۱	۲۸۷۱/۴۲	۳۰۴۸/۴۷	۳۲۲۲/۰۴	۳۴۰۷/۵۳	
کل جهان	۵۰۵۰/۷۵	۵۳۱۲/۷۷	۵۸۳۲/۴۸	۵۹۸۶/۶۸	۶۱۴۲/۶۲	

Source: EIA Website WWW.EIA.doe.Gov.

فسیلی می‌پردازیم. جدول شماره ۱ میزان کربن CO2 منتشر شده ناشی از سوختن ۱ تن معادل نفت خام از نفت خام، گاز طبیعی و زغال‌سنگ را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که در میان سوخت‌های فسیلی، زغال‌سنگ، بیشترین میزان انتشار کربن و CO2 را دارد و در نتیجه سیاست‌های کاهش انتشار کربن و CO2 باید تأکید بیشتری بر زغال‌سنگ داشته باشد؛ اما در عمل مشاهده می‌شود که در بسیاری از کشورهایی که زغال‌سنگ سوخت عمده داخلی آنهاست حتی به آن سوبسید هم داده می‌شود که نشان دهنده نوعی تناقض در سیاست‌های زیست‌محیطی این کشورهاست.

جدول ۲ میزان CO2 منتشر شده توسط تعدادی از کشورهای OECD را در سال‌های مختلف نشان می‌دهد همان‌طور که ملاحظه می‌شود کشورهای عضو OECD در طی سال‌های ۱۹۸۰، ۱۹۸۵، ۱۹۹۰، ۱۹۹۵، ۱۹۹۸ به ترتیب ۶۰، ۵۴، ۵۲، ۵۴، ۵۵ درصد از کل انتشار CO2 را در اختیار داشته‌اند که از این میان نقش امریکا با داشتن ۴۵ درصد از کل انتشار سازمان و ۲۴/۴ درصد انتشار جهانی CO2 بسیار چشم‌گیرتر است.

در راستای تلاش برای کاهش انتشار CO2، نخستین کنفرانس بین‌المللی با هدف پی‌ریزی سیاست‌های جهانی برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست در سال ۱۹۷۲ از طرف سازمان ملل متحد در استکهلم تشکیل شد. مهمترین دستاورد این کنفرانس بین‌المللی برای رسیدگی به مسائل محیط‌زیست در سال ۱۹۹۲ تحت عنوان «محیط زیست و توسعه» در ریودوژانیرو (برزیل) تشکیل شد و به «کنفرانس زمین» شهرت پیدا کرد. این کنفرانس دو قرارداد بین‌المللی را واقعیت داد. نخست قراردادی در زمینه کاهش تولید گازهایی که موجب بالا رفتن دمای زمین می‌شود و دوم قراردادی که کشورهای امضا کننده را به یافتن راهکارهایی برای حفظ انواع به خطر افتاده جانوران و حفظ محل زندگی آنها

متعهد می‌ساخت.

نتیجه این اجلاس به «کنوانسیون تغییرات آب و هوای سازمان ملل متحد» (UNFCCC) منجر شد که در مارس ۱۹۹۴ با تأیید پرتغال - به عنوان پنجاهمین کشور- از ضمانت اجرایی برخوردار شد. UNFCCC مقرر می‌دارد که میزان نشر گازهای گلخانه‌ای از جمله (CO2) باید در سطوحی تثبیت شود که به سیستم جهانی آب و هوا صدمه وارد نکند که مستلزم کاهش نشر گازهای گلخانه‌ای است؛ اما این کنوانسیون فقط چارچوبی را مشخص می‌کند که طبق آن کشورهای توسعه یافته بر اساس «اصل مسؤلیت مشترک اما متفاوت» با اتخاذ سیاست‌ها و اقدامات داوطلبانه جهت تثبیت میزان نشر در سطوح انتشار سال ۱۹۹۰ حرکت می‌کند.

اولین کنفرانس متعهدین (COP-1) در مارس ۱۹۹۵ در برلین تشکیل شد و به بررسی این مسأله پرداخت که آیا تعهدات موجود برای رسیدن به هدف نهایی کنوانسیون کافی است یا نه. دومین کنفرانس متعهدین (COP-2) در ژنو تشکیل شد. در این اجلاس بررسی عناصر مهم تشکیل دهنده یک پروتکل، نهایی شد و با پیشنهاد کشورهای مختلف زمینه تهیه یک متن مذاکره فراهم آمد.

سومین کنفرانس متعهدین (COP-3) در کیوتو ژاپن تشکیل شد و پس از بحث‌های فراوان پروتکل کیوتو به تصویب نمایندگان کشورهای متعهد کنوانسیون سازمان ملل رسید. هدف اصلی پروتکل کیوتو کاهش تولید گازهای آلوده‌کننده محیط‌زیست تا ۶ درصد کمتر از سطوح سال ۱۹۹۰ بود؛ اما در درون OECD، جامعه اروپا در زمینه وضع مقررات برای کاهش انتشارات CO2 پیش‌ساز بوده است. در تاریخ ۲۷ می ۱۹۹۲، کمیسیون جامعه اروپا پیش نویس طرحی در زمینه وضع مالیات بر انتشار CO2 و انرژی را به عنوان بخشی از مبارزه جامعه اروپا علیه گازهای گلخانه‌ای و گرم شدن جهانی مورد پذیرش قرار داد. جهت‌گیری این پیش‌نویس عمدتاً در زمینه اقدامات مالی بوده و برنامه‌هایی را در زمینه صرفه‌جویی انرژی و انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر را نیز شامل می‌شود. در این راستا جامعه اروپا اقداماتی مبتنی بر دامنه وسیعی از سیاست‌های مالیات بر CO2 و انرژی را معرفی کرد و انگیزه‌های مالی جهت تشویق سرمایه‌گذاری در راه‌های مربوط به صرفه‌جویی انرژی و کاهش انتشار کربن پیشنهاد کرد. میزان مالیات بر CO2 و انرژی در سطح کل جامعه اروپا تعریف و وضع شد؛ اما راه‌های رسیدن به این اهداف توسط کشورهای عضو تصمیم‌گیری می‌شد. این کشورها در زمینه کنترل درآمدهای ناشی از وضع مالیات نیز کاملاً مستقل بودند. میزان مالیات بر مبنای ۵۰ درصد محتوی CO2 و ۵۰ درصد محتوی انرژی هر منبع استوار بود. میزان نرخ مالیات به تدریج معرفی شده و با افزایش از یک دلار برای هر بشکه معادل نفت خام در سال به ۳ دلار در هر بشکه معادل نفت خام و به تدریج به ۱۰ دلار در هر بشکه معادل نفت خام در سال ۲۰۰۰ بالغ می‌شد. البته باید متذکر شد که این نرخ‌ها یک حد مینیمم بود و کشورهای عضو نسبت به انتخاب نرخ‌های بالاتر اختیار عمل داشتند. در این پیشنهاد به انرژی اتمی نیز (به عنوان یک منبع انرژی بدون کربن) با نرخ پایین‌تر، حدود ۵۰ درصد نرخ مالیات بر سوخت‌های حاوی کربن، مالیات تعلق می‌گرفت؛ ولی دیگر انرژی‌های تجدیدپذیر از این امر مستثنی بودند.

در سال ۱۹۹۵ کمیسیون یک پیشنهاد اصلاحی را به شورای اجرایی معرفی کننده مالیات بر انتشار CO2 و انرژی ارائه کرد. تفاوت عمده این پیشنهاد سال ۱۹۹۲، یک دوره انتقالی تا پایان سال ۱۹۹۹ بود که طی آن استفاده از مالیات

بر CO2 و انرژی می‌توانست داوطلبانه باشد؛ اما مذاکرات در مورد پیشنهاد اصلاحی در مراحل اولیه متوقف شد. یکی از دلایل این شکست این بود که مالیات‌های جدید پیشنهادی، انرژی و صنایع کشورهای اروپایی را به طور متفاوت تحت تأثیر قرار می‌داد. برای مثال، تأکید بر انتشار CO2 در مالیات از طرف کشورهایی که قسمت عمده‌ای از برق خود را از طریق آب یا انرژی اتمی تولید می‌کردند حمایت می‌شد از طرف دیگر توانایی سید انرژی مصرفی برای ایجاد محرک جهت تغییر سوخت محدود بود. در نتیجه ایده مالیات جدید از سال ۱۹۹۵ کنار گذاشته شد.

در مارس ۱۹۹۷، کمیسیون اتحادیه اروپا پیشنهاد جدید را در مورد مالیات بر فرآورده‌های انرژی ارائه کرد. هدف از این پیشنهاد هماهنگ‌سازی بیشتر در مورد حداقل نرخ‌های مالیاتی نفت، گاز طبیعی، سوخت‌های جامد و دیگر انرژی‌ها مثل برق بود. این پیشنهاد شامل افزایش سطوح مالیات در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ و نیز استثنائات عمده‌ای برای تولید برق و صنعت بود. سطوح پیشنهاد شده مالیات بسیار پایین بودند و بر مبنای میزان کربن یا میزان انرژی سوخت نبودند.

بنابراین جنبه زیست‌محیطی پیشنهاد شده بسیار ضعیف‌تر نسبت به پیشنهاد مالیات بر انرژی و CO2 قبل بود.

برخلاف مسائل هماهنگ‌سازی مالیات بر انرژی در سطح اتحادیه اروپا، در اوایل دهه ۹۰، تعداد اندکی از کشورهای اروپایی مالیات بر CO2 و دیگر مالیات‌ها و هزینه‌های انرژی را در سطح ملی وضع کردند. فنلاند اولین کشور در اروپا بود که در سال ۱۹۹۰ به وضع مالیات بر مبنای میزان کربن سوخت اقدام کرد. کشورهای سوئد و نروژ در سال ۱۹۹۱، هلند (۱۹۹۲) و دانمارک (۱۹۹۳) نیز مبادرت به این کار کردند.

### مالیات بر سوخت‌های موتور

مالیات‌های داخلی بر سوخت و فرآورده‌های نفتی یک منبع مهم در آمد در بسیاری از کشورها هستند تفاوت‌های زیادی بین نرخ‌های مالیاتی کشورهای مختلف وجود دارد که نمی‌توان آن را تنها به دلیل تئوری اقتصادی توجیه کرد. در کشورهای در حال توسعه، مالیات بر فرآورده‌های نفتی بین ۷ تا ۳۰ درصد کل درآمد دولت و حدود ۱ تا ۳/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود. حتی در بعضی از کشورهای صنعتی این رقم به ۲ درصد تولید ناخالص می‌رسد. به دلیل اینکه میزان و نرخ مالیات‌های نفتی به ملاحظات بسیاری که بیشتر جنبه سیاسی نیز دارد وابسته است، قضاوت کلی در مورد سطح مناسب مالیات و فرآورده‌های نفتی مشکل است.

فرآورده‌های نفتی به چند طریق مشمول مالیات می‌شوند. ممکن است از فرآورده‌های نفتی وارداتی تعرفه‌های گمرکی اخذ شود. پالایشگاه‌های داخلی را نیز می‌توان مشمول پرداخت مالیات کرد. فروش در سطح عمده فروشی یا خرده فروشی نیز می‌تواند مشمول مالیات واقع شود. سوده‌های ناشی از انحصار دولتی در فروش فرآورده‌های نفتی نیز ممکن است به دولت منتقل شود. در بسیاری از کشورها ممکن است فقط یک نوع از این روش‌ها به کار رود؛ اما بعضی از کشورها نیز ترکیبی از آنها را به کار می‌برند. در بعضی از کشورها نیز بخشودگی‌های مالیاتی یا نرخ‌های مالیاتی پایین‌تر برای استفاده از بنزین یا گازوئیل در بخش‌های خاص مثل امور نظامی یا کشاورزی وجود دارد.

در معدودی از کشورها نیز مالیات‌های نفتی برای ایجاد ثبات در بازارهای

### جول ۳- میزان مالیات بر بنزین به عنوان درصدی از قیمت در تعدادی از کشورهای عضو OECD

نام کشور	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۱۹۹۹
کانادا	۲۷/۵	۴۲/۴	۴۵/۲۵	۴۶/۸
فرانسه	۶۲/۳	۷۴/۲	۸۰/۹۳	۷۹/۹
آلمان	۴۸/۷	۶۳/۱	۷۶/۳۹	۷۴/۰۲
ایتالیا	۶۴/۴	۷۵	۷۴/۵	۷۳/۸
ژاپن	۳۸/۶	۴۵/۶	۵۱/۸	۵۹/۵
بریتانیا	۵۴/۳	۶۲/۲	۷۳/۵۵	۸۰/۲۳
آمریکا	۲۳/۳۵	۲۶/۷	۳۰/۹۵	۳۰/۵
مکزیک	۱۳	۱۳	۱۲/۳	۱۳
میانگین OECD	۴۴/۴۹	۵۸/۹۶	۶۳/۸۴	۶۴/۴۸

### جول ۴- مالیات بر دیزل به عنوان درصدی از قیمت در تعدادی از کشورهای عضو OECD

نام کشور	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۱۹۹۹
کانادا	۲۴	۳۴/۵	۴۱/۳	۳۹/۴
فرانسه	۵۲/۴۵	۵۵/۲	۶۹/۷	۷۰/۱
آلمان	۴۱/۴۵	۵۰/۸	۶۶/۰۵	۶۴/۵
ایتالیا	۲۵/۵۵	۶۰/۵	۶۷/۹	۶۶/۷۵
ژاپن	۲۴/۲	۳۵/۱	۵۰/۰۵	۴۹/۷
بریتانیا	۴۴/۹۵	۵۲/۸	۷۰/۷۵	۷۹/۱۵
آمریکا	۲۷/۳	۲۷/۹	۳۹/۷	۳۸/۹
نیوزیلند	۱۰/۴	۳۰/۲	۶/۵	۶/۴
متوسط OECD	۲۸/۱۱	۴۰/۱۹	۵۵/۲۷	۵۷/۲۲

متوسط مالیات در بخش تجاری و غیرتجاری است.

سهام وضع شده است. این مالیات‌ها برای ایجاد ثبات در قیمت و کاهش اثرات نوسانات قیمت‌های جهانی است. در بسیاری از کشورها نرخ‌های مالیات بر فرآورده‌های نفتی عمدتاً به صورت یک میزان مشخص هستند و نه به صورت درصدی از ارزش فرآورده، البته این روند در حال تغییر است. استفاده از نرخ‌های مالیاتی مشخص مزایای خاص خود را دارند. اولین مزیت آنها این است که از لحاظ عملی دریافت این نوع مالیات آسان‌تر است. چرا که ارتباطی با ارزش فرآورده مصرف شده ندارد و فقط به حجم آن بستگی دارد. دوم این که قیمت‌های بین‌المللی فرآورده‌ها نوسانات زیادی داشته باشد به دلیل تغییرات کمتر میزان مصرف نسبت به ارزش مصرف، میزان مالیات بیشتر قابل پیش‌بینی است؛ اما مالیات‌های درصدی از لحاظ درآمدی انعطاف‌پذیرترند و بیشتر برای اهداف افزایش درآمد به کار می‌روند.

به طور کلی دلایل عمده وضع مالیات بر فرآورده‌های نفتی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد.

الف - بهبود توزیع درآمد

ب - افزایش درآمد تراز بازرگانی و دستیابی به امنیت انرژی

ج - حفظ و یا افزایش تراز بازرگانی و دستیابی به امنیت انرژی

جدول ۵- مالیات بر نفت کوره به عنوان درصدی از قیمت در تعدادی از کشورهای عضو OECD				
نام کشور	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۱۹۹۹
فرانسه	۲۰/۸۷	۲۶/۶۵	۳۰/۵۷	۳۸/۴
آلمان	۵/۶	۱۸/۶۳	۲۴/۲۳	۲۸
ایتالیا	۱۸/۲۳	۵۵/۳	۵۲/۲۳	۶۸/۶۵
ژاپن	۰	۲/۹	۲/۹	۴/۸
بریتانیا	۴/۳	۱۰/۹	۲۰/۳۸	۲۶/۶۳
متوسط OECD	۷/۶۹	۲۱/۸۴	۲۴/۶	۳۱/۸۹

متوسط مالیات بر نفت کوره سبک و نفت کوره سنگین مورد استفاده در تولید برق و صنعت است.

منبع: ENERGY PRICES AND TAXES-OECD

جانمایی وجود ندارد (کشش آن بسیار کم است)، مالیات بیشتری بر آن وضع شده است و برای دیگر سوختها نیز با توجه به کششهای قیمتی تقاضای آنها مالیات وضع شده است.

حال پس از بررسی انواع فعالیتها در ذیل به اختصار در مورد اثرات مالیاتهای زیست محیطی بحث خواهیم کرد.

#### اثرات مالیاتهای زیست محیطی

در مورد اثرات مالیاتهای زیست محیطی تاکنون بحثهای زیادی انجام گرفته است؛ اما به دلیل این که این گونه مالیاتها نسبتاً جدید هستند شواهد تجربی در مورد تأثیرات آنها اندک است. از طرف دیگر بررسی دقیق تأثیر مالیاتهای زیست محیطی بر انرژی کاری بسیار پیچیده است. ولی به طور کلی مهمترین اثرات این گونه مالیاتها را می توان به این شرح خلاصه کرد.

#### - تأثیرات زیست محیطی

هدف اصلی مالیاتهای زیست محیطی بر انرژی کاهش انتشار تمامی آلایندهها و خصوصاً CO<sub>2</sub> است. آمار جمع آوری شده در مورد انتشار CO<sub>2</sub> توسط UNFCCC نشان دهنده افزایش انتشار CO<sub>2</sub> در اکثر کشورهای جهان است. بنابراین به طور قطع نمی توان اثر مالیاتها را در این زمینه سنجید؛ اما مثلاً در نروژ مالیات بر CO<sub>2</sub> انتشار آن را در طی دوره ۹۳-۱۹۹۱ حدود ۳ تا ۴ درصد، در دانمارک ۴/۷ درصد و در هلند ۱/۵ درصد کاهش داده است. البته تشخیص دقیق تر اثر این گونه مالیاتها به زمان بیشتری نیاز دارد.

#### - تأثیر بر تولید و مصرف انرژی

مالیاتهای زیست محیطی بر انرژی اثرات متعددی بر تولید و مصرف انرژی خواهند داشت که از میان آنها موارد ذیل مهمتر از بقیه به نظر می رسد.

الف - هدایت سرمایه گذاریها به سوختهای یا آلوده کننده کمتر - این گونه مالیاتها با افزایش قیمت سوختهای آلوده کننده و در نتیجه کاهش مصرف آنها موجبات سرمایه گذاری کمتر در این نوع انرژیها و بالطبع روی آوردن به سمت انرژیهای پاک تر و در نتیجه سرمایه گذاری بیشتر در آنها می شود.

ب - تشویق به تغییر سوخت در برنامه های جاری انرژی برای کاهش آلودگی - با گران تر شدن سوختهای آلوده کننده در نتیجه مالیات، مصرف کنندگان به طرف استفاده از سوختهای با آلوده کننده کمتر روی می آورند.

البته دو مورد بالا در میان مدت و بلند مدت تأثیر خواهد داشت.

پ - افزایش کارایی در تولید و مصرف - در کوتاه مدت که امکان تغییر سوخت و نیز جهت گیری سرمایه گذاری وجود ندارد با افزایش کارایی و مصرف بهینه موجب کاهش مصرف فرآورده های انرژی خواهد شد.

در کشورهای اسکاندیناوی - به عنوان پیشگامان وضع این نوع مالیات - تجربیات مفیدی وجود دارد. در دانمارک مالیات و سوبسید بر انرژی هماهنگ با دیگر ابزارهای سیاسی است. این کشور جز معدود کشورهایی است که سیاست انرژی دولت تابع سیاست محیط زیست است. به طوری که این کشور با داشتن سهم ۷ درصدی نیروی باد در تولید برق خود از این نظر مقام اول را در جهان دارد و نیز جایگزینی زغال سنگ با گاز طبیعی و سایر انرژیهای تجدیدپذیر در حال انجام است. در سوئد نیز وضع مالیاتها منجر به ایجاد نیروگاههای سیکل ترکیبی شده است.

د - در مورد کشورهای صادرکننده نفت، استفاده از قیمت فرصت صادراتی در نتیجه کاهش مصرف داخلی ناشی از مالیات و اطمینان از مصرف کارایی منابع داخلی البته بسته به کشورها و اهداف سیاسی دولتها ممکن است این دلایل تغییر کنند.

توجه به میزان مالیات بر برخی فرآورده های نفتی در کشورهای تأمپ می تواند در این زمینه قابل توجه باشد. جدول ۳ میزان مالیات بر بنزین را بر حسب درصدی از قیمت آن طی سالهای مختلف برای تعدادی از کشورهای عضو OECD نشان می دهد. همان طور که جدول نشان می دهد میزان مالیات بر بنزین روند صعودی داشته است. در بین کشورهای عضو سازمان (به جز مکزیک که خود صادرکننده نفت خام است) امریکا - با ۳۰/۵ درصد - کمترین میزان و بریتانیا با ۸۰/۲۳ درصد - مالیات در سال ۱۹۹۹ به ترتیب کمترین و بیشترین میزان مالیات بر بنزین را داشته اند. در همین سال متوسط مالیات بر بنزین در کل سازمان ۶۴/۴۸ درصد بوده است.

جدول ۴ میزان مالیات بر دیزل را در تعدادی از کشورهای عضو OECD نشان می دهد. در این مورد همانند بنزین درصد مالیاتها روند صعودی داشته است. بریتانیا با مالیاتی معادل ۷۹/۱۵ درصد قیمت و نیوزیلند با ۴/۶ درصد در سال ۱۹۹۹ به ترتیب بیشترین و کمترین مالیات را در بین کشورهای عضو سازمان داشته اند.

متوسط میزان مالیات به عنوان درصدی از قیمت دیزل درکل سازمان برای سال ۱۹۹۹ معادل ۵۷/۲۲ درصد بوده است که گرچه نسبت به بنزین کمتر است، اما باز هم رقم بالایی است.

جدول ۵ نیز میزان مالیات بر نفت کوره را در تعدادی از کشورهای عضو تأمپ نشان می دهد مجدداً همان الگوی قبلی را در رابطه با افزایش مالیات مشاهده می کنیم. البته میزان مالیات کمتر است. بیشترین میزان مالیات بر کوره مربوط به ایتالیا با ۶۸/۶۵ درصد قیمت است، در حالی که ژاپن با ۴/۸ درصد مالیات، کمترین میزان مالیات را در بین کشورهای عضو در سال ۱۹۹۹ داشته است. متوسط مالیات بر نفت کوره در کل سازمان ۳۱/۸۹ درصد در سال ۱۹۹۹ بوده است.

با توجه به مباحث بالا می توان گفت از آنجایی که برای بنزین تقریباً